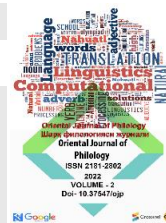


**Oriental Journal of Philology****ORIENTAL JOURNAL OF PHILOLOGY**

journal homepage:

<http://www.supportscience.uz/index.php/ojp/about>**THE REFLECTION OF PERSIAN WORDS IN THE VOCABULARY OF THE QUR'AN*****Fatemeh Hajiakbari****Associate Professor**Kosar University of Bojnord**Bojnord, Iran***ABOUT ARTICLE****Key words:** Quran, involved words, Persian words, classification.**Received:** 15.05.24**Accepted:** 17.05.24**Published:** 19.05.24**Abstract:** The encounter and contact between Arabs and Iranians during the Sassanid period before Islam was very close. The land of Hirah, one of the Arab countries, was under the influence of Iranians for a long time and became a center for the spread of Iranian culture. Arthur Jeffrey believes that there are evidences that show that the art of writing spread from Hirah to other parts of the Arabian Peninsula, and therefore the influence of Iranians and Iranian culture was felt not only in Mesopotamia but in all of Arabia. Based on the verses of the Quran, this book was revealed in Arabic. Undoubtedly, the Qur'an was a watcher of its audience at the time of its revelation. This research has investigated the Persian words mentioned in the Qur'an with a descriptive-analytical method. From the categories made in this research, it was found that the highest frequency of Persian words in the Qur'an deals with the description of heaven and the people of heaven.**FORSCHA SO'ZLARNING QUR'ON LUG'ATIDA AKS ETISHI*****Fotima Hojiakbariy****Dotsent**Bojnord Kosar universiteti**Bojnord, Eron***MAQOLA HAQIDA****Kalit so'zlar:** Qur'on, qatnashgan so'zlar, forsiy so'zlar, tasnifi.**Annotatsiya:** Islomdan oldingi Sasoniylar davrida arablar va eronliklar o'rtasidagi uchrashuv va aloqa juda yaqin edi. Arab davlatlaridan biri bo'lgan Hiro diyori uzoq vaqt eroniylar ta'sirida bo'lib, Eron

madaniyatining tarqalish markaziga aylangan. Artur Jeffrining fikricha, yozuv san'ati Hiradan Arabiston yarim orolining boshqa hududlariga ham tarqalganligi va shuning uchun eronliklar va eron madaniyatining ta'siri nafaqat Mesopotamiyada, balki butun Arabistonda ham sezilganligini ko'rsatadigan dalillar mavjud. Qur'on oyatlariga asoslanib, bu kitob arab tilida nozil qilingan. Shubhasiz, Qur'on nozil bo'lgan chog'ida uning tinglovchilarining kuzatuvchisi bo'lgan. Bu tadqiqotda Qur'onda zikr etilgan forscha so'zlar tasviriy-tahlil usuli bilan o'rganilgan. Ushbu tadqiqotda tuzilgan toifalardan ma'lum bo'ldiki, Qur'ondagi forscha so'zlarning eng yuqori chastotasi jannat va jannat ahlining ta'rifi bilan bog'liq.

## ОТРАЖЕНИЕ ПЕРСИДСКИХ СЛОВ В СЛОВАХ, ВОШЕДШИХ В КОРАН

*Фатима Хаджи Акбари*

*Доцент*

*Каусарского университета Бойноорда*

*Бойноорд, Иран*

### О СТАТЬЕ

**Ключевые слова:** Коран, задействованные слова, персидские слова, классификация.

**Аннотация:** Встреча и контакты между арабами и иранцами в период Сасанидов до ислама были очень тесными. Земля Хира, одна из арабских стран, долгое время находилась под влиянием иранцев и стала центром распространения иранской культуры. Артур Джеффри считает, что существуют свидетельства, показывающие, что искусство письма распространилось из Хиры на другие части Аравийского полуострова, и поэтому влияние иранцев и иранской культуры ощущалось не только в Месопотамии, но и во всей Аравии. Эта книга, основанная на стихах Корана, была ниспослана на арабском языке. Несомненно, Коран был наблюдателем своей аудитории во время его ниспослания. В данном исследовании дескриптивно-аналитическим методом были изучены персидские слова, упомянутые в Коране. Из категорий, созданных в этом исследовании, было обнаружено, что наибольшая частота персидских слов в Коране связана с описанием небес и небесных людей.

"بازتاب کلمات فارسی در واژگان دخیل قرآن"

فاطمه حاجی اکیری\* (دانشیار دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران)

### چکیده

برخورد و تماس میان اعراب و ایرانیان عهد ساسانی قبل از اسلام بسیار نزدیک بوده است. سرزمین حیره از ممالک عربی مدت های زیادی زیر نفوذ ایرانیان بود و به کانون انتشار فرهنگ ایرانی مبدل شد. آرتور جفری معتقد است شواهدی در دست است که نشان می دهد هنر نوشتن از حیره به نقاط دیگر شبه جزیره عربستان انتشار یافته است و بنابراین نفوذ ایرانیان و فرهنگ ایرانی نه تنها در بین النهرین بلکه در تمام عربستان محسوس بوده است. بر اساس آیات قرآن، این کتاب به زبان عربی نازل شده است. بی تردید قرآن در زمان نزول ناظر به مخاطبان خویش نیز بوده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی کلمات فارسی ذکر شده در قرآن پرداخته است. از دسته بندی های صورت گرفته در این پژوهش مشخص شد بیشترین بسامد واژگان فارسی در قرآن به موضوع توصیف بهشت و بهشتیان پرداخته است.

**کلیدواژگان:** قرآن، واژگان دخیل، کلمات فارسی، طبقه بندی.

### 1. مقدمه

در آثار کهن عربی انبوهی از واژه های فارسی به چشم می خورد که به زمانها و اشخاص گوناگونی منسوب اند. استاد آذرنوش پنج شاهد در این خصوص ذکر کرده اند: 1. فارسی گویی در شهرهای عرب نشین قبل از ساسانیان. 2. جملات فارسی منسوب به پیش از اسلام. 3. جمله های فارسی در خارج از ایران. 4. فارسی گویی امامان شیعه. 5. جمله های فارسی درون ایران (آذرنوش، 85، ص 120-129)

عده ای از محققان اعم از قرآن شناسان و لغویان قدیم، منکر اشتغال قرآن بر لغات غیر عربی بوده اند. سیوطی در نوع سی و هشتم از اتقان و مقدمه‌ی المذهب، امام شافعی، طبری، ابو عبیده معمر بن مثنی و قاضی ابوبکر باقلانی، و ابن فارس لغوی را طرفدار خالی بودن قرآن مجید از لغات غیر عربی معرفی می کند. مبنا و مستند اینان، تصریح خداوند است در قرآن کریم به اینکه قرآن به زبان عربی (عربی مبین) است. (یوسف، 2؛ نحل 103؛ شعراء، 195؛ فصلت، 44) اما مجوزان و قائلان به وجود لغات غیر عربی در قرآن بر آنند که بودن چند فقره لغت غیر عربی، قرآن را از صفت عربی نمی اندازد، چنان که قصیده و غزل فارسی هم با آنکه لغات عربی بسیاری دارد، ولی این واژگان عربی اش، آن را غیر فارسی یا عربی نمی گرداند. و امروزه زبان شناسان همه پیرو این نظریه اند و برآنند که هیچ زبانی از زبانهای زنده و حتی مهجور جهان نیست که در آن کم یا بیش لغات دخیل از زبان دیگر وجود نداشته باشد. سیوطی در المذهب 140 واژه ی قرآنی را معرب - یعنی غیر عربی الاصل که سپس عربی شده است - شمرده است. (خرمشاهی، 1389)

درباره نفوذ واژگان بیگانه در زبان عربی کتاب های متعددی نوشته شده است: العین خلیل بن احمد، جمهره اللغه و اشتقاق ابن درید. همچنین در کتابهایی مثل مشکل القرآن و غریب القرآن قدری به این وام واژگان پرداخته شده است. تا قرن ششم که اولین اثر مستقل با نام المعرب من الکلام الاعجمی جوالیقی در این موضوع نگارش یافت. (برای اطلاع بیشتر ر. ک قربانی، 1388، ص 52) درباره تعداد واژگان غیر حجاری در قرآن بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. اختلافی چنان گسترده از پنجاه تا سه لهجه.

بر اساس نظر آرتور جفری واژه های دخیل در قرآن را می توان در سه گروه از هم متمایز کرد:

(الف) واژه هایی که به هیچ وجه عربی نیستند، مانند: استبرق، نمارق، زنجبیل، فردوس و مانند آنها.

(ب) واژه هایی که سامی هستند و ریشه سه حرفی آنها نیز ممکن است در زبان عربی باشد با وجود این در قرآن با ریشه عربی استعمال نشده است بلکه به معنایی که در یکی از زبان های دیگر پیدا کرده اند به کار رفته اند مانند: فاطر، بارک، درس، صوامع

ج) واژه هایی که عربی اصیل هستند و معمولاً نیز در زبان عربی بکار می روند اما به صورتی در قرآن بکار رفته اند معنایشان دارای صبغه ای است که نتیجه استعمال آنها در زبان های همزاد با زبان عربی است. به عنوان مثال نور به معنای روشنایی یک واژه عادی و متداول عربی است. اما هنگامی که در معنای دین بکار می رود مانند (ان یتم نوره) بدون تردید زیر نفوذ کاربرد واژه سریانی قرار دارد. (جفری، 1395، 93)

### پیشینه پژوهش

درباره کلمات غیر عربی ذکر شده در قرآن آثاری اعم از کتاب و مقاله وجود دارد، از جمله مهم ترین آنها می توان به واژه های دخیل در قرآن (آرتور جفری)، واژگان دخیل در قرآن (محمدعلی قربانی) اشاره کرد. دانشوران علوم قرآنی و مفسران نیز هر یک به فراخور بحث در کتب خویش در گوشه و کنار اشاره هایی به واژگان دخیل در قرآن دارند. آنچه که این پژوهش را از آثار موجود متمایز می کند طبقه بندی و به نوعی صورت بندی مفهومی کلمات فارسی بکار گرفته شده در قرآن است که به شیوه ی توصیفی و تحلیلی و بر اساس داده های کتابخانه ای به موضوع می پردازد.

### 1. فهرست کلمات فارسی در قرآن

در فهرست پیش رو کلمات فارسی بکار رفته در قرآن بر اساس گزارش آرتور جفری، زرکشی، سیوطی به همراه ذکر آیه و سوره مدنظر قابل مشاهده است. بر این اساس 58 کلمه فارسی در قرآن از بررسی نظرات افراد مذکور مشخص شد.

آیه سوره	مکی / مدنی	کلمه دخیل	معنای فارسی
1 (بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ) / واقعہ 18	مکی	اباریق	کوزه ها
2 (هُمْ وَأَرْوَاحُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ) / بیس 56	مکی	ارائک	تخت ها
3 (أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُخَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِن دَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا) / كهف 31	مکی	اساور	دستبند
4 (أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُخَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِن دَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا) / كهف 31	مکی	استبرق	دیبای ضخیم
5 (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَنَلُّوبٍ أَفْقَالُهَا) / محمد 24	مدنی	اقفال	قفل ها
6 (وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرِّزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) / مومنون 100	مکی	برزخ	حایل و فاصله
7 (أَوْ كَصَيْبٍ مِّن السَّمَاءِ فِيهِ ظَلَمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ) / بقره 19	مدنی	برق	برق
8 (لَهُدًى صَوَامِعٌ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا) / حج 40	مدنی	بیع	پرستشگاه
9 (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ) / هود 40	مکی	تنور	اجاق
10 (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ) / مائده 93	مدنی	جناح	گناه

11	(قَلَمًا فَصَلْ طَالُوْتُ بِأَلْ جُنُودِ) / 249 / مدنی	جند	لشگر
12	(فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ) / 206 / بقره	جهنم	دوزخ
13	(بِخُورِ عَيْنٍ) / 54 / دخان	حور	حوریان
14	(قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ) / 50 / انعام	خزانه	گنجینه
15	(مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) / 4 / حمد	دین	حکم. داوری
16	(وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِيَدِينَا) / 75 / ال عمران	دینار	دینار
17	(كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ) / 60 / بقره	رزق	روزی
18	(وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ) / 38 / فرقان	رس	چاه
19	(فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ) / 15 / روم	روضه	باغ سرسبز
20	(سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ) / 18 / علق	زبانیه	نگهبانان دوزخ
21	(وَزَرَابِيٍّ مَبْنُوتَةٍ) / 16 / غاشیه	زرابی	فرش مجل
22	(وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا) / 17 / انسان	زنجبیل	زنجبیل
23	(فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) / 30 / حج	زور	باطل - دروغ
24	(يَوْمَ تَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ) / 104 / انبیاء	سجل	گواهی نامه- شناسنامه
25	(وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنصُودٍ) / 82 / هود	سجیل	گل پخته
26	(كَلَّا إِنْ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ) / 7 / مطففین	سجین	دوزخ / زندان
27	(تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا) / 61 / فرقان	سراج	چراغ
28	(إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا) / 29 / كهف	سرادق	سراپرده
29	(سِرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ) / 50 / ابراهیم	سرابیل	پیراهن. شلوار
30	(أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرَ فِي السَّرْدِ) / 11 / سبأ	سرد	زره
31	(يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ) / 48 / قمر	سقر	دوزخ
32	(عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا) / 18 / انسان	سلسبیل	چشمه زلال
33	(يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ) / 43 / نور	سنا	درخشندگی
34	(أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسْوَدٍ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا) / 31 / كهف	سندس	ابریشم ظریف
35	( فَلَوْ لَا الْفَى عَلَيْهِ اسُورَه مِنْ ذَهَبٍ ) / 31 / كهف	سوار	دستبند
36	(وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ) / 157 / نساء	صلب	بردار کردن
37	(مُتَّكِنِينَ عَلَافِرْفَرٍ خُضْرٍ وَعِيقْرِيٍّ) / 76 / رحمن	عبقری	نوعی فرش گرانبها
38	( قَالَ عَفْرِيَّتٍ مِنَ الْجِنِّ ) / 39 / نمل	عفریت	دیو

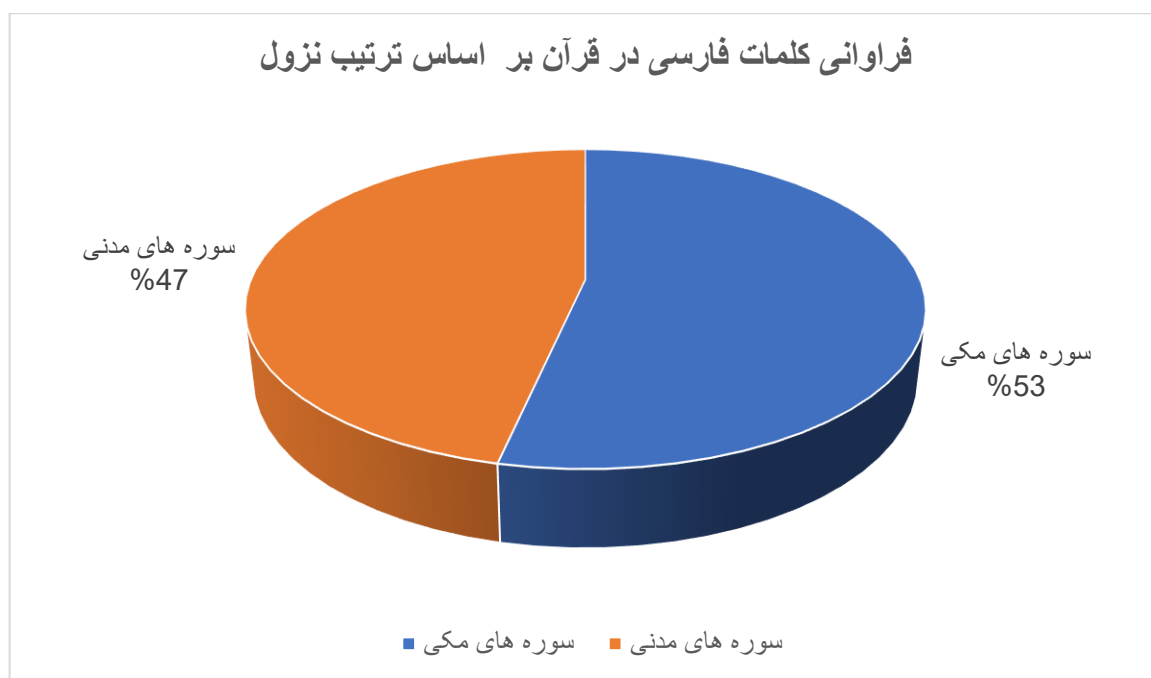
بهشت	فردوس	مکی	(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا) 107 / كهف	39
پیل	فیل	مکی	(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ) 1 / فیل	40
ورق کاغذ	قرطاس	مکی	(وَلَوْ نَرَاكَ عَلَىٰ كِتَابٍ فِي قُرْطَاسٍ) 7 / انعام	41
قفل	قفل	مدنی	(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَنَلِقُولٍ أَفْقَالهَا) 24 / محمد	42
قدح	کاس	مکی	(يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ) 45 / صافات	43
کافور	کافور	مدنی	(إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا) 5 / انسان	44
گنج	کنز	مکی	(أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ) 12 / هود	45
غروب کند	کورت	مکی	(إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) 1 / تکویر	46
خوان	مانده	مدنی	(هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ) 112 / مانده	47
زرتشتیان	المجوس	مدنی	(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ) 17 / حج	48
شهر	مدینه	مکی	(قَالُوا أُرْجَىٰ وَأَخَاةٌ وَأُرْسِلُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ) 111 / اعراف	49
مروارید خرد	مرجان	مدنی	(يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ) 22 / رحمن	50
مشک	مشک	مدنی	(خِتَامُهُ مِسْكٌ) 26 / مطفین	51
کلیدها	مقالید	مکی	(لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) 63 / زمر	52
بالش ها	نمارق	مکی	(وَنِمَارِقُ مَصْفُوفَةً) 15 / غاشیه	53
گل	ورده	مدنی	(فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ) 37 / الرحمن	54
نام دو فرشته	هاروت و ماروت	مدنی	(وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ) 102 / بقره	56
یاقوت	یاقوت	مدنی	(كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ) 58 / الرحمن	57
ابله	ابابیل	مکی	(وَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ) 3 / فیل	58

جدول شماره یک

## 2. فراوانی کلمات فارسی بر اساس ترتیب نزول

طبق خروجی آمار بدست آمده در این پژوهش سوره های مکی با 53 درصد نسبت به سوره های مدنی با 47 درصد

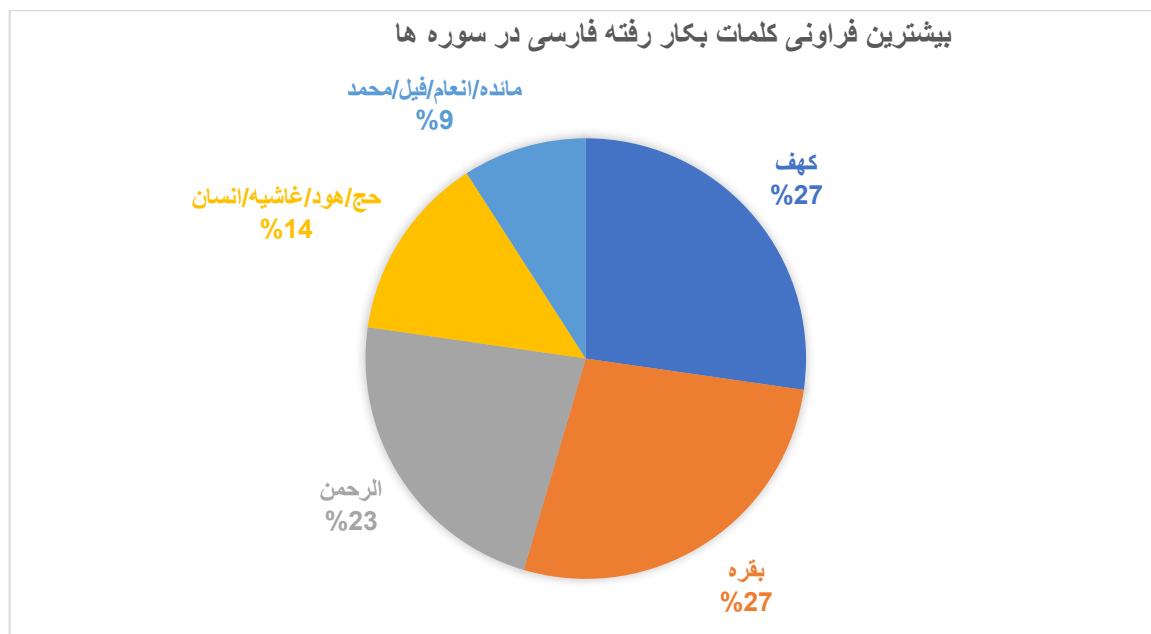
کلمات فارسی بیشتری را در خود جای داده اند.



نمودار شماره یک

### 3. فراوانی کلمات فارسی بر اساس سوره ها

با توجه به بررسی صورت گرفته از نظر پراکندگی کلمات فارسی در قرآن سوره بقره و کهف هر یک با داشتن 6 کلمه فارسی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. پس از آن سوره الرحمن با 5 کلمه، سوره های حج، هود، غاشیه و انسان با 3 کلمه فارسی به خود اختصاص داده اند. و سوره های مائده، انعام، فیل و محمد با داشتن 2 کلمه فارسی کمترین بساند را به خود اختصاص داده اند. در جدول زیر درصد اختصاص سوره ها به داشتن کلمات فارسی قابل مشاهده است.



نمودار شماره دو

### 4. صورت بندی مفهومی کلمات فارسی

در این قسمت از پژوهش، کلمات فارسی بکار رفته در قرآن بر اساس دسته بندی موضوعی تحت عناوین: دنیا، جهنم، بهشت، آسمان، دین و موجودات طبقه بندی شده اند که در جدول شماره دو قابل مشاهده است. بر اساس نتایج حاصله از این

بخش بیشترین بسامد کلمات فارسی بکار رفته در قرآن در توصیف احوالات بهشت و بهشتیان و نعمات ایشان از قبیل پوشش و نوشیدنی ها است.

موجودات	دین	آسمان	بهشت	جهنم	دنیا	
جن	بیع	برق	حور	برزخ	تتور	1
فیل	جناح	سراج	روضه	جهنم	صلب	2
هاروت و ماروت	دین	سنا(درخشندگی)	زرابی	زبانیه	دینار	3
	خزائن	کورت	زنجبیل	سجین	رزق	4
	مجوس	مقالید	سلسبیل	سرادق	رس	5
		ورده	سندس	سقر	سجل	6
			اساور	سرابیل(لباس جهنمی ها)	سجیل	7
			فردوس		قرطاس	8
			عبقری		مانده	9
			کاس		قفل	10
			مسک		کنز	11
			کافور		مدینه	12
			نمارق		مرجان	13
			یاقوت		ابله	14
			اباریق		اقفال	15
			ارائک		سرد	16
			اساور		جند	17
			استبرق			18

جدول شماره دو

### نتیجه

بی تردید در هر دین و آیین و مذهبی می‌توان رگه‌هایی از تاریخ و جغرافیای پیرامونی را مشاهده کرد. وقتی به فضای کلی هر کتاب آسمانی وارد می‌شویم رنگی از محیط در آن می‌یابیم (یزدان پرست، 1395، 15) نتایج این پژوهش نشان داد:

1. واژگان‌های مختلفی از زبان‌های رومی، سریانی، هندی، نبطی، قبطی، ترکی، بربری، زنگباری و فارسی در قرآن بکار رفته است.

2. کلمات فارسی بکار رفته در قرآن بر اساس دسته‌بندی موضوعی تحت عناوین: دنیا، جهنم، بهشت، آسمان، دین و موجودات طبقه بندی شدند که در جدول شماره دو قابل مشاهده است. بر اساس نتایج حاصله از این بخش بیشترین بسامد کلمات فارسی بکار رفته در قرآن در توصیف احوالات بهشت و بهشتیان و نعمات ایشان از قبیل پوشش و نوشیدنی‌ها (حور، روضه، زنجبیل، سلسبیل، سندس، فردوس، عبقری، کاس، کافور، نمارق، استبرق، اباریق و...) است.
3. سوره بقره و سوره کهف بیشترین بسامد کلمات فارسی را به خود اختصاص داده‌اند.
4. پراکندگی کلمات فارسی در سوره‌های مکی و مدنی تا حدودی نزدیک به هم است.

### پی‌نوشت:

قابل ذکر است کلمات فارسی زمهریر، برهان، سراب، ضنک، غمزه، سرمد و وزیر ذکر شده در قرآن، در منابع منتخب این پژوهش گزارش نشده‌اند، که در اینجا از کتاب آقای خرمشاهی به آنها اشاره می‌شود:

زمهریر، ادی شیر می‌نویسد: «زمهریر یعنی شدة البرد [ شدت سرما، سرمای سوزان ] مرکب از «زم» یعنی سرما، و «هریر» یعنی موجب [ مثلاً= زا ]، و در همین زمینه گویند از مهر الیوم، یعنی سرمای امروز بالا گرفت» (الالفاظ الفارسیة المعربة، ص 79). محمد علی امام شوشتری نیز این رأی را تأیید می‌کند و در شرح آن می‌نویسد: «لغت زم به معنی سرما در ترکیبات فارسی بسیار آمده است. از جمله در لفظ: زمستان و سمیرم و سمیران (نام کوهی بوده در شمال بندر



سیراب قدیم) و شمیران و دیگرها دیده می شود. درباره ی جزء دوم کلمه که نویسنده ی برهان قاطع آن را کننده معنی کرده است، نتوانستیم گواهی به دست آوریم» (فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی، ص 320)

**برهان:** ادی شیر «برهان» را که به معنای حجت و دلیل است، معرب کلمه ی «پروهان» فارسی (روشن و آشکار و معروف) می داند (الفاظ الفارسیة المعربة، ص 21).

**سراب:** معلوم نیست این کلمه عربی است یا فارسی، در حاشیه ی برهان آمده است که این کلمه مشترک فارسی و عربی است (شاید کمابیش مثل دین). در المعرب جوالیقی نیامده است. ادی شیر می نویسد که این کلمه مرکب از سر به معنای فوق، و آب به معنای ماء است، اما می افزاید که مرجح آن است که آن را گرفته شده از سریانی (به معنای خشک شد) بگیریم (الفاظ الفارسیة المعربة، ص 88). آرتور جفری آن را در واژه های دخیل در قرآن مجید نیابوده است و با این حساب آن را عربی اصیل شمرده است. محمدعلی امام شوشتری در فرهنگ واژه های فارسی در عربی این کلمه را جز کلمات فارسی که خیلی قدیم وارد زبان عربی شده شمرده است (ص 355)

**سرمد:** ادی شیر آن را فارسی و مرکب از سر + آمد یعنی زمان، می داند (الفاظ الفارسیة المعربة، ص 90). محمدعلی امام شوشتری نیز قائل به فارسی بودن سرمد و سرمدی است (فرهنگ واژه های فارسی در عربی، ص 359-260).

**ضنک:** جوالیقی به این کلمه نپرداخته است. ادی شیر آن را معرب «دنگ» به معنای حیران و سرگشته می داند (الفاظ الفارسیة المعربة، ص 110). اما گویا معرب «تنگ» فارسی است. این کلمه در قرآن مجید به صورت صفت برای معیشت به کار رفته است: فان له معیشة ضنکا (طه، 124) و در فارسی هم معیشت یا زندگانی تنگ گفته می شود.

**غمزه:** جوالیقی از این کلمه یاد نکرده است. ادی شیر آن را اشاره ی خاص به چشم و ابرو و معرب از «غمزه» فارسی می داند (الفاظ الفارسیة المعربة، ص 116). امام شوشتری با استناد به ادی شیر و برهان قاطع آن را فارسی دانسته است (واژه های فارسی در زبان عربی، ص 481).

**وزیر:** آرتور جفری تصریح دارد که وزیر که وزن فعلیل دارد، مشتق از وزر (یعنی بردن و حمل کردن) نیست، بلکه از ویچیرای اوستایی و ویچیر پهلوی گرفته شده است. برای تفصیل بیشتر — واژه های دخیل، صص 406 و 407.

## منابع

### قرآن

- آذرنوش، آذرتاش، 1385، چالش میان فارسی و عربی سده های نخست، تهران: نشر نی.
- جفری، آرتور، (1395)، واژه های دخیل در قرآن، مترجم: فریدون بدره ای، تهران: توس.
- خرمشاهی، بهاء الدین، (1389)، قرآن پژوهی (1)،
- زرکشی، محمد بن عبدالله، 1376، البرهان، دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركائه.
- سیوطی، عبدالرحمن ابی بکر، 1416، الإتيان في علوم القرآن، لبنان - دار الفكر
- قربانی، محمد علی، (1388) واژگان دخیل در قرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- یزدان پرست، حمید، (1395)، ایران و ایرانیان در متون مقدس، تهران: اطلاعات. چاپ دوم.